

دو مهم در اجلاس تجزیه طلبان

در شهر بوخوم آلمان

امیرفیض- حقوقدان

گزارش آقای نوری علا از جریان اجلاس تجزیه طلبان در شهر بوخوم آلمان حاوی دونکته قابل گفتگوست یکی موضوع تامین هزینه های اجلاس و دیگری استفاده از عنوان سند در آن گزارش.

اول موضوع تامین هزینه های اجلاس

مرافعه وجدل درباره تامین هزینه های فعالیت های سیاسی و از جمله جدائی طلبی یک مرافعه مدروسی و چندساله است که یک طرف مدعی است که هزینه فعالیت هارا خود فعالان میدهند و این گروه که تقریباً جامعیت دارند، هرگونه دریافت کمک از بیگانه را تکذیب میکنند! کمک ایرانیان داخل و خارج را منبع درآمد فعالیت خود میدانند و برخی هم حق عضویت افراد را منبع درآمد خود معرفی میکنند؛ حیرت این است که این قبیل توسل ها برای ایزگم کردن، به جمهوری اسلامی هم سرایت کرده است، اخیراً همین روزها وزیر دادگستری جمهوری اسلامی اعلام کرد کسانی در خارج حاضر شده اند بدهی دو میلیارد و هشتصد میلیون دلاری بابت زنجانی را بپردازند و ما باید هشیار باشیم که توطئه ای نباشد.

آدم و حواهم میدانند که مجاهدین خلق از آمریکا دریافت های نقدی مستمر دارند و در گذشته هم از عراق کمک میگرفتند؛ باصحنه سازی کاسه گدائی سعی میکردند منبع درآمد خودشان را مردم کوچه و بازار و مسافری در فرودگاه ها معرفی کنند.

علیحضرت خودمان هم با آنکه میفرمایند ۹۵ درصد هزینه مبارزه ایشان را ایرانیان داخل کشور تامین میکنند معذراً برای شفاف سازی، بشقاب فروشی راهم مزید دانسته اند، که کاراز محکم کاری عیب نمیکند.

جانی که نص است اجتهاد معقول نیست

در مورد منبع کمک به فعالین سیاسی و حقوق بشری نص، و قانون کمک مالی آمریکا وجود دارد، یعنی تامین اعتبار کمک بوسیله قانون کنگره بتصویب رسیده و در مقابل این قانون که بنام قانون آزادی ایران با بودجه ای بمبلغ ۷۲ میلیون دلار به تصویب رسیده دیگر حرف و حدیث بی معناست و در کلامی خودمانی (مثل فلان بز) منشاء و منبع کمک به فعالین مبارزه آشکار است.

قانون فزادی ایران که در تحریرات قبلی شرح داده شده است در راستای چهار هدف، اعتبار خرج یافته است.

نخست، فعالین در جهت دموکراسی و آزادی، دوم در جهت حفظ حقوق اقلیت ها (تجزیه طلبان)، سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، و چهارم مخالفت با تروریسم.

در توضیحات قانون مزبور تنها شرطی که برای استفاده از اعتبارات مالی آن قانون پیش بینی شده این است که متقاضی کمک، حافظ منافع آمریکا باشد.

مکانیزم اجرایی کمک های مالی آمریکا به هیچوجه نشان نمیدهد که دریافت کنندگان کمک از بودجه های وزارت خارجه آمریکا (سیا) ویا کنگره (مانند قانون آزادی ایران) ملزم به دادن صورت حساب پولهای دریافتی از آمریکا بوده اند، حتی در لایحه کمک ۵/۱ میلیون دلاری به مخالفان جمهوری اسلامی ذکر شده است که <آمریکا نام گیرندگان کمک را اعلام نخواهد کرد>.

تنها قانون آزادی ایران که در سال ۲۰۰۶ در زمان بوش پسر بتصویب کنگره رسید نیست که کمک مالی میکند. وزارت خارجه هلند مبلغ ۱۵ میلیون یورو به پروژه های حقوق بشری با هدف مشابه قانون آزادی، به رسانه های گروهی تخصیص داد و همین دوسه روز قبل هم در کنارتحریم سید علی و شیخ حسن ۲۲ میلیون هم باهدف مشابه قانون آزادی ایران تخصیص داده شد.

باری – نگاه کنید از تاریخ تصویب قانون آزادی ایران و تخصیص بودجه به موارد تعیین شده هرگز حتی یک سازمان سیاسی در خارج از کشور به خواسته تامین آزادی و دموکراسی و بازگشت رژیم سلطنت مشروطه تشکیل نشده و اصلا در فعالیت های سازمانها (بخوانید عملجات آمریکا) حتی یک بار کلمه رژیم سلطنتی ایران دیده نمیشود چراکه سبب محرومیت از کمک های آمریکا میشود؛ حتی سازمان هائی که رژیم آینده کشور را به همه یرسی موقوف کرده بودند از این شرط عقب نشینی کردند که نقطه ضعفی در مقابل قانون آزادی ایران نداشته باشند.

جای حیرت اینجاست

همه کسانی که خود را مشمول قانون آزادی ایران ساخته و از آمریکا پول میگیرند بشدت تلاش دارند و مدعی اند که از آمریکا کمک نمیگیرند؛ اینان در عین اینکه درخواست کمک از آمریکا را شعار اصلی مبارزه خودشان ساخته اند و در هر فرصتی توسل به بیگانه را بر خ میکشند، چرا دریافت مزد از آمریکا را منکر میشوند؟

قبح عمل این افراد در گرفتن پول از آمریکا نیست قبح عمل در توسل به آمریکا و استدعای کمک است.

مثالش روشن است زنی که آماده شد بامردی بخوابد قبح عمل او متوجه فاحشگی است نه پول گرفتن، آن فاحشه چه با قرار قبلی پول بگیرد ویا جایزه بگیرد ویا طرف اصلا پولی ندهد عمل فاحشگی صورت گرفته است، حیرت است که این عملجات آمریکا که عملگی آنان آشکار است و افتخار هم میکنند انکار دستمزد گرفتن را دارند، لاف از منوچهر گنجی و سید احمد جان بر کف (احمد مدنی) یاد بگیرند که اعلام کردند که از آمریکا پول گرفته و باز هم خواهند گرفت.

مکانیزم صرف پول آمریکا

همانطور که ارائه شد دولت آمریکا اسامی گیرندگان کمک (دستمزد عملگی) ایرانیان را اعلام نمیکند. از تبعات خودداری از اعلام اسامی، آزادی عمل عمله، در کیفیت مصرف دستمزد هم هست چنانکه احمد مدنی در مصاحبه اش گفت <با آمریکا شرط کردم که کیفیت مصرف دو میلیون دلار دریافتی بامن است>

شرط مزبور در تمام خدمات جاسوسی و جنایات محفوظ است و بقولی «کار غیرقانونی تعرفه ندارد» و اگر آمریکا هم با پیشنهاد احمد مدنی موافقت کرده از این جهت بوده که آزادی جاسوس و عمله آمریکائی در خرج کردن پول آزاد است.

هنگامیکه آقای منوچهر گنجی از سوی سازمان سیا مامور برچیدن بساط جبهه نجات گردید اعلام کرد که جبهه نجات برای هر شماره نشریه جبهه نجات ایران ۱۰۰ هزار دلار به حساب جبهه نجات منظور کرده در حالیکه ۴۰ یا ۵۰ دلار بیشتر خرج نداشته. آمریکائی ها که از این جریان مطلع شدند هیچ عکس العملی نشان ندادند و حتی به شاهین فاطمی که همراه اسلام کاظمیه دریافت کنندگان وجه از آمریکا بودند از گل نازک تر هم به آنها نگفتند و هنوز هم شاهین (علیمحمد) فاطمی عزیز کرده آنهاست و در آن ماجرا اسلام کاظمیه که از امکاتیزم خرج پول آمریکائی ها بوسیله عملجات آگاه نبود از ترس خودکشی کرد.

از آنجا که شرط تعلق وجوه آمریکا به عملجات ایرانی آن کشور، دو چیز میباشد یکی وفاداری به مصالح آمریکا و دوم فعالیت برای اهداف قانون آزادی ایران و شرط اول، مستتر در تابعیت آمریکائی آنهاست که سوگند وفاداری به مصالح آمریکا رایاد کرده اند فقط احراز شرط فعالیت میماند.

شرط فعالیت هم در قانون آزادی ایران، بسیار کلی است از تشکیل کنفرانس که مهمترین آنهاست گرفته تا سخنرانی - مقاله نویسی- اعلامیه دادن- برنامه رادیویی داشتن- تلفن کردن- میهمانی دادن- مسافرت و دید و بازدید و هر حرکتی است که مقابل سکون و سکوت باشد فعالیت محسوب است و هر کس در این مراحل بیشتر فعال باشد رقم بزرگتری از لاشه کمک آمریکا سهم میبرد و فعالیت های اخیر نوری علا یکی از همان فعالیت های منطبق با اهداف قانون آزادی ایران است.

استقبال ایرانیان از بهره مندی قانون آزادی ایران امر استثنائی نیست، در هر کشوری وقتی بودجه تفصیلی منتشر شد، معلوم میشود که دولت در چه قسمتهائی کمک و حمایت میکند و مبلغ کل آن در بودجه مملکت چه مقدار است، شیادان مترصد و تیزهوش در همان زمینه که بودجه مقرر کرده شروع به تشکیل شرکت و فعالیت میکنند تا از آن بودجه کمکی استفاده کنند. بخشی از ایرانیان خارج از کشور هم به مجرد تصویب قانون آزادی ایران فعالیت های سیاسی منطبق با آن قانون را شروع کردند که میتوان از نمره اول آنان «کنگره همبستگی ایرانیان» را یاد کرد.

ایرانیان خارج از کشور تنها دفاعی که دارند این است که بگویند ما تبعه آمریکا هستیم و خود را مشمول قوانین آن کشور میدانیم، نه اینکه مانند نوری علا دفاعش این باشد که ما ده هزار دلار داشتیم خرج کردیم فقط ۳۵ دلار آن باقی مانده.

عنوان سند

دومین مطلبی که در گزارش نوری علا قابل طرح و فساد انگیز است، این است که چند بار به واژه سند اشاره و مدعی شده که سند توافق با گروه های تجزیه طلب امضا شد و بعد فلان و بهمان شد.

برای اولین بار است که شیادان دست اندر کار تجزیه ایران و اجرای قانون آزادی ایران از واژه سند استفاده میکنند؛ تاکنون همواره صحبت از قطعنامه بود.

فرق بین قطعنامه و سند در این است که قطعنامه اعلام موافقت و نظرگروهی از اشخاص است نسبت به یک مورد معین و در واقع نوعی اعلام رضایت و موافقت است و عدول از آن هم منتهی به شرطی نیست، ولی سند، عبارت از توافق کتبی است که بین دو یا چند نفر به امضا میرسد و الزام آوراست؛ یعنی در صورت خودداری هر طرف سند، طرف مقابل میتواند الزام متخلف را از دادگاه بخواهد.

آیا سندی که به ادعای نوری علا به امضای تجزیه طلبان حاضر در آن جلسه رسیده لازم الاجراست و امتناع آنها از تمکین به آن قابل مراجعه به دادگاه است؟ البته که خیر.

وانگهی اولین اصالت سند آن است که مال و یاحق مورد معامله و یا تعهد متعلق به یکی و یا هر دو طرف سند باشد، آیا استقلال و تمامیت ارضی و تجزیه ایران از حقوق شخصی آقای نوری علا و یا تجزیه طلبان است؟ البته که خیر.

دومین شرط اصالت سند، صلاحیت در مذاکره و تنظیم سند است، این حضرات چه صلاحیتی دارند که درباره کشوری که خودشان تابعیت آنرا از نظر وفاداری از دست داده اند (قبول تابعیت آمریکا یا هر کشور دیگر) تصمیم گیری کنند و نام آنرا هم سند بگذارند؟

تصوری که میتوان در این عمل مزورانه ملاحظه کرد ممکن است این باشد که قطعنامه شورای تجزیه طلبان و ماده ۱۱ آن زمینه های رضایت و موافقت با تجزیه ایران را بطور کلی فراهم ساخت اکنون ادامه آن و تبدیل قطعنامه به سند که مراحل نهایی قطعنامه را نشان میدهد بعهد نوری علا و دکان سکولار او منتقل شده است، زیرا شورای ناپیدا آنقدر مفتضح و رسوا شده است که استفاده از قطعنامه مزبور برایش ممکن نیست و بهتر یافته اند که عمده تازه ای که کمتر در محیط رسوائی شورای ناپیدا شرکت داشته خودنما بشود.